

وزیر پیشنهادی و پولیسازی آموزش

محمدرضا نیک‌نژاد

در فضای مجازی نماهنگی پخش شد که در آن وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش می‌گوید: «از نگاه حاکمیت، هوشمندانه‌ترین کاری که می‌توان انجام داد، رفتن به مدل تسهیل‌گری و تنظیم‌گری است... می‌توانیم این همه ساختار و تشکیلات آموزش و پرورش و این همه حقوق دادن به معلمان که تازه آخرش هم نمی‌دانیم که کیفیت‌شان چه جوری است! را برداریم و سهم فرزندان از (بودجه) آموزش و پرورش را به خانواده بدهیم اما دیسپلین هزینه کردن آن را کنترل کنیم. آن کسانی که در حوزه تعلیم و تربیت دارند سرویس می‌دهند را رصد کنیم که چه کاری انجام می‌دهند و تاییدشان کنیم و کم‌شان کنیم تا رشد کنند.»

این نماهنگ در فضای مجازی سر و صدای فراوانی پدید آورد؛ به ویژه بخشی که از حقوق معلمان سخن رفت و کیفیت کارشان! اما این یادداشت می‌خواهد تحلیل بیشتری بر این دیدگاه داشته باشد و ریشه و تا اندازه‌ای پیامد آن را بشکافد؛ گرچه بخش پایانی سخنان باغ‌گلی اشاره ضمنی به برون‌سپاری خدمات آموزشی هم دارد و نقد آن که گونه‌ای دیگر از خصوصی‌سازی آموزشی است، یادداشت دیگری را می‌طلبد.

نخستین بار طرح پرداخت پول، بون یا کوپن‌های آموزشی را میل‌تون فریدمن، اقتصاددان نئولیبرال امریکایی در کتاب «سرمایه‌داری و آزادی» مطرح کرد. فریدمن در این کتاب که بنیادش بازار آزاد است تاکید می‌کند که چون آموزش «آثار همجواری» دارد و آموزش دیدن یا ندیدن، می‌تواند پیامدهایی برای جامعه داشته باشد، دولت باید سهم هر نوآموز از بودجه را به شکل بن‌های آموزشی به خانواده بدهد و خود کنار بایستد. از دل این نظریه، مدرسه‌های کوپنی یا بونی (voucher schools) بیرون آمد که برخی سیاستمداران امریکایی در دوره‌ای به شدت از آن پشتیبانی کرده و در برخی ایالت‌ها و به شکلی محدود به اجرا درآمد. این دیدگاه گرچه در امریکا بُرد چندانی نیافت اما به یاری فریدمن و شماری از شاگردانش، در شیلی و در دوران پینوشه اجرا شد و اکنون درصد بالایی از مدرسه‌های این کشور، مدرسه‌های بونی هستند. مدرسه‌های بونی هم‌زاد با طرح «گزینش مدرسه» اند که در آن دولت سهم نوآموز از بودجه آموزشی را به

خانواده می‌دهد و خانواده هم با اختیار و آزادی مدرسه مناسبی برای فرزندش را برگزیده و به ظاهر نه سیخ دولت می‌سوزد و نه کباب مردم! در تقسیم‌بندی‌های جهانی، مدرسه‌های بومی از مدرسه‌های پولی به شمار می‌آیند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در نهایت بار اصلی آموزش بر دوش خانواده می‌افتد و بودجه‌های مدرسه‌های دولتی که اداره آنها از وظیفه‌های ذاتی دولت است را کاهش می‌دهد؛ رقابت که در آموزش عامی به شدت آسیب‌زا است را میان مدرسه‌ها، خانواده‌ها و دانش‌آموزان دامن می‌زند؛ هدف‌های آموزشی که بخش مهمی از آنها پرورش شهروندان خوب است را محدود به نمره و معدل و سنجه‌های کمی کرده و آزمون‌های استاندارد شده آسیب‌زا را گسترش می‌دهد؛ در ادامه گسترش رقابت بر سر مدرسه‌های خوب و خوشنام! مدرسه‌های ضعیف و عموماً دولتی در مناطق محروم را ضعیف نگه می‌دارد و مدرسه‌ها با کارایی کمی بالا را، به دلیل جذب پول بیشتر، قدرتمندتر می‌کند و در نهایت بچه‌های خانواده‌هایی که پول کافی برای پشتیبانی‌های بیشتر از فرزندان خود را دارند گوی رقابت را می‌ربایند و شکاف آموزشی و به دنبال آن طبقاتی، ژرف‌تر و ژرف‌تر می‌شود و این یعنی گسترش بیشتر بی‌عدالتی آموزشی.

از دیگر سو در برآوردهای جهانی، مدرسه‌های بومی برتری ثابت‌شده‌ای نسبت به دیگر مدرسه‌ها ندارند؛ برای نمونه شیلی در آزمون‌های جهانی مانند پیزا و پرلز برتری ویژه‌ای ندارد. در همین پیوند مارك تاكر، رییس مرکز غیرانتفاعی ملی آموزش و اقتصاد، در یادداشتی که زنده‌یاد «مهدی بهلولی» آن را ترجمه کرده است، می‌گوید: «اگر شما به دنبال راهی برای ایجاد يك سامانه آموزشی هستید که در آن همه دانش‌آموزان در سطح بالاتری عمل کنند و شکاف میان دانش‌آموزان با بهترین عملکرد و دانش‌آموزان پایین‌تر، کاهش یابد باید بدانید که هیچ گواهی در هیچ کجایی از جهان وجود ندارد که امکان‌پذیر باشد مدرسه از سوی پدران و مادران چنین چیزی به شما بدهد.»

خب! گرچه باغگلی در واکنش‌های رسانه‌ای پس از انتشار نمانگ از موضع خود کوتاه آمد اما طرح این موضوع به تنهایی کافی است تا بخشی از ذی‌نفعان آموزش نگران آن باشند؛ چراکه ما خاطره خوبی از واژه «یارانه» و پیامدهای آن نداریم و اکنون ایشان نیامده از «یارانه آموزشی» سخن می‌گویند! از دیگر سو، پولی‌سازی آموزش و گسترش مدرسه‌های پولی، سال‌هاست که اتهام جناح جناب باغگلی به رقیب سیاسی است. طرح این‌گونه دیدگاه‌ها افزون بر اینکه خلاف شعار رییس دولت سیزدهم است و این مثل قسم و خروس را به ذهن می‌آورد! از این گذشته سري را که درد نمی‌کند دستمال نمی‌بندند! جناب باغگلی آموزش و پرورش آن قدر گرفتاری‌های ریز و درشت و پیدا و پنهان دارد که

طرح و اجرائی این‌گونه دیدگاه‌ها جز آنکه شما و ریاستان را به دردمر بیندازد هیچ سود دیگری ندارد؛ آن هم طرح دیدگاه‌های چهره‌ای شناخته‌شده همچون میلتون فریدمن.

□□□□□□ 1400 □□□□□□ □□□□□□ :□□□□